

در این اثر ادبی، متیو والت به فرضیه‌ای می‌پردازد که بر اساس آن روانساختاری ۲ زبان گوستاو گیوم ۳ (۱۸۸۳-۱۹۶۰) به عنوان نخستین زبان‌شناسی ادراکی ۴ در زبان فرانسه مطرح می‌گردد. این کتاب به پنج بخش و دوازده فصل تقسیم شده است. در بخش نخست، به پدیدار شدن موضوع بیان و علوم ادراکی در نیمه دوم قرن بیستم پرداخته می‌شود. سه بخش عمده این اثر به تجزیه و تحلیل نظریه گیوم اختصاص یافته است. این امر با استفاده از مجموعه قابل توجهی از پایان‌نامه‌ها، رساله‌ها، نسخه‌ها، دروس دستنویس و پیش‌نویسها محقق گردیده است. این مجموعه‌ها در بنیاد گوستاو گیوم در گروه زبان و زبان‌شناسی دانشکده ادبیات دانشگاه لاوال در کبک گردآوری گردیده است. در بخش پنجم و پایانی، والت به بررسی روشی می‌پردازد که توسط سه تن از زبان‌شناسان به نامهای برنارد پوتیر، ۵ موریس توسن ۶ و آنتوان کولیولی ۷ به کار برده شده است؛ با استفاده از این روش، آنها به الگوسازی طرز تفکر، گفتار و کلام منسوب به گیوم می‌پردازند. این سه زبان‌شناس به عنوان الگوی پیشگامان زبان‌شناسی ادراکی در زبان فرانسه شناخته می‌شوند. والت در حقیقت به بُعد بیانی و ادراکی نظریه گیوم می‌پردازد و نشان می‌دهد که روانساختاری، بر خلاف نظر ژولی و رولاند، ۸ یک نظریه بیانی نمی‌باشد بلکه نظریه‌پردازی از موقعیتهای بیانی است که شکوفایی یک یا چند نظریه از مقوله بیان را در بر می‌گیرد.

والث هم‌چنین به بحث در مورد پیش‌زمینه‌های فلسفی و هستی‌شناسانه موجود میان بیان و ادراک می‌پردازد، بحثی که پرسش در مورد رابطه میان گفتار و اندیشه را مجدداً مطرح می‌سازد. این برداشتی است که از قرن نوزدهم مجدداً مطرح گردیده و در پی تقابل ما بین جبرگرایی و ذهن‌گرایی، منجر به تنش میان مکانیسم و غایت‌گرایی شده‌است. والت نشان می‌دهد که چگونه متخصصان رایانیک در دهه ۱۹۴۰ در جهت رفع این تضاد تلاش کرده‌اند. این متخصصین توانسته‌اند که با بازگرداندن غایت به مکانیسم و با ابداع اصطلاحی به معنی «فرجام» ۹، میان یک غایت-گرایی



زبان‌شناسی گزاره‌ای و ادراکی فرانسوی / الهه کلباسی

حاصل از قوانین مکانیک (و بالطبع علمی) و غایت‌شناسی، به عنوان گفتمانی نظری تمایز قائل گردند. در فصل دوم، والت از گام‌های بزرگی سخن می‌گوید که در راه مفهوم بیان در تاریخ معاصر توسط بالی، بنونیست و کولیولی برداشته شده است. او در مورد مفهوم امروزی کردن بحث می‌کند، بینشی که بیشتر می‌بایست منسوب به بالی باشد تا به گیوم. این امر در اواخر سالهای ۱۹۶۰، جایگاه نظریه‌های مربوط به مقوله «بیان» را در شرایطی که دو مولفه آن را کنش و فرد تشکیل می‌دهد برجسته‌تر می‌سازد. سه بخش اصلی این اثر به نظریه گوستاو گیوم اختصاص داده شده است. در این بخشها، والت علاقه کمتری نسبت به مفاهیم زمان عملیاتی، سازوکار بُردارهای دوگانه و نمادهای ذهنی که در طول زمان بروز می‌یابند، ۱۰ نشان می‌دهد. اینها مفاهیمی هستند که بخشی از کارهای گیوم در فاصله سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ را در بر می‌گیرند. توجه بیشتر والت به موضوعاتی است که کارهای بعدی گیوم بر مبنای عصب‌شناسی را در بر می‌گیرند و تا به امروز از نظر دور مانده‌اند. والت با تاکید بر جداسازی همیشگی به کار برده شده توسط گیوم میان گفتار و

اندیشه، از شکوفایی روان‌ساختاری زبان صحبت می‌کند. والت می‌گوید که گیوم به یک روانشناسی بیرونی متوسل نمی‌شود بلکه در راستای تدارک نظریه زبان به روانساختاری می‌پردازد. درست پس از چندین دگرگونی اساسی است که گیوم فرضیه «شباهت ساختاری» بین حرکات ذهن و سیستم عصبی را ارائه می‌کند. او در ۲۱ ماه مه سال ۱۹۵۹ از وجود یک تبدیل بین مغز و زبان خبر می‌دهد. به دنبال این موضوع است که شاهد پدیدار شدن علوم ادراکی می‌باشیم. گیوم یک برنامه تحقیقاتی چند رشته‌ای برای تعیین ماهیت این تبدیل در زمینه اختلالات زبان پیشنهاد می‌دهد و زبان‌شناسان را به انجام نوآوری دعوت می‌کند. یک سری از دست‌نوشته‌ها حاکی از آنند که گیوم با توجهی چند، تمایل بیشتری به بررسی ماشین رایانیک ۱۱ در سال‌های ۵۶ - ۱۹۵۵ داشته است. علیرغم آن که نتایج منتشر شده، بازتابی تمثیلی از افکار گیوم را درباره رایانیک نشان می‌دهد، او از این نتایج برای جنبه‌هایی در روانساختاری الهام می‌گیرد. به گفته وی، هدف از زبان‌شناسی رایانیک، مجزا کردن سازوکاری موجود در زبان است که آن را به نام «سازوکار درونی» ۱۲ می‌شناسند. این سازوکار در واقع، منحرف کردن توجه انسان از بخش مکانیکی و رسمی زبان است. با این حال، گیوم رایانیک را به چند دلیل مورد انتقاد قرار می‌دهد. سبیرنتیک تمامی زبان انسانی را قابل مدل‌سازی به وسیله ابزارهای ریاضی می‌داند، در حالی که این قابلیت، تنها در مورد بخشی از زبان انسانی صادق است. در این خلال، این علم ریاضیات نیست که توصیف زبان را امکان‌پذیر می‌سازد، بلکه این خود زبان است که شامل یک سازوکار درونی می‌باشد که مرتبط با عنصری است که درگیر با استدلال‌های ریاضی می‌باشند. گیوم ماحصل‌گرایی ۱۳ رایانیک را مورد انتقاد قرار می‌دهد و با دفاع از زبان‌شناسی ذهنیت‌گرا، روانساختاری، به تقابل با زبان‌شناسی ناذهنیت‌گرا، نزدیک به رایانیک (زبان‌شناسی رفتارگرایی بلومفیلد ۱۴) می‌پردازد. زبان‌شناسی ناذهنیت‌گرا موضوعیت را به طور جامع در بر نمی‌گیرد، چرا که تنها امروزی کردن زبان و نه روند

ساخت آن را در نظر می‌گیرد. زبان، که در دیدگاه گیوم، به طور کامل توسط تاریخچه شخصی و رویارویی انسان با جهان معین شده است، باید در بینشی سازنده‌گرا و پدیدارشناسانه در نظر گرفته شود. والت این دیدگاه مبتنی بر دادوستد دوجانبه روح و جهان بیرون ۱۵ را به نظریه خودسامان‌یابی (رایانیک دوم) نزدیک می‌کند که برگرفته از پدیدارشناسی مرلو پونتی ۱۶ است که توسط ماتوران ۱۷ و وارلا ۱۸ در سال‌های ۱۹۸۰ گسترش یافته است. در این نظریه، این محیط نیست که سیستم عصبی را به تحریک وامی‌دارد، بلکه این انسان و ذهنش می‌باشد که محیط را مورد سوال قرار می‌دهند و در نهایت بر آن تسلط می‌یابند. به همین ترتیب، از نقطه نظر گیوم، این جهان نیست که زبان را سازماندهی می‌کند بلکه این اندیشه‌ی انسان است که با خودسامان‌یابی توسط زبان به ایجاد یک جهان از سازماندهی‌ها اقدام می‌کند. در آخرین بخش از این اثر، والت به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه پوتیر، توسن و کولیولی به روشهای گوناگون به ارزیابی ارتباط بین زبان و ادراک که توسط گیوم به اثبات رسیده، پرداخته‌اند.

بسته به این که زبان به عنوان یک توانایی عمومی متفاوت از ادراک یا اشتباهات شبیه با آنها در نظر گرفته شود و همچنین بسته به این که آیا عمومیت زبان از طریق تنوع زبانی تعیین گردد یا نه، مواضع آنان از یکدیگر فاصله می‌گیرد. پوتیر ۱۹ جدال بنیادین پدیدارشناسانه میان انسان و جهان را از گیوم وام می‌گیرد اما بر خلاف گیوم که جهان فیزیکی (جهان بیرونی من) و جهان روانی (جهان درونی من، زبان) را در مقابل یکدیگر قرار می‌دهد، پوتیر، وجود دنیایی مرجع را ابراز می‌کند که خود به دنیای مرجع بیرونی و دنیای مرجع درونی (دنیای خیالی یا مفهومی) بخش می‌گردد. از سوی دیگر، گیوم در مورد روش جهان‌شمول پوتیر و کاوشهای او درباره تغییر ناپذیری زبان، با او اختلاف نظر دارد. از بین این سه پژوهشگر، توسن ۲۰ می‌تواند یک گیوم‌شناس واقعی منظور شود، که البته کمتر در فرانسه شناخته شده است چرا که عمدتاً در شرق اروپا و اسپانیا به تدریس و چاپ مقالات مشغول

بوده است. توسن پیش از پوتیر تلاش به ایجاد یک فیزیک حسی کرده است؛ که بر اساس آن، معنا مترادف با آگاهی از عملکرد عصب-معنایی ناخودآگاه می‌باشد. از دیدگاه والت، نظریه کولیولی با دو عنوان به فراخوانی روان‌ساختاری می‌پردازد: نخست نظریه عملیات بیانی که یک زبان‌شناسی از دیدگاهی است که در آن هر واژه ماورای زبانی نسبت به واژه دیگری که قبلاً ساخته شده است قابل تشخیص می‌باشد و دوم این که کل سیستم بازنمایی، بر مجموعه‌ای بسیار محدود از عملیات استوار می‌گردد. با این حال والت خود را در ارتباط با زنجیره‌ای از مفهوم عملیاتی که برخی آن را مستقیماً وام گرفته از گیوم می‌پندارند، خود را بسیار محتاط نشان می‌دهد. عملیات در نزد گیوم، عملیاتی مطلقاً ذهنی می‌باشند. در حالی که در نزد کولیولی، عملیات صرفاً نظری و در ارتباط با مدل‌سازی می‌باشند. کولیولی مخالف در نظر گرفتن هر گونه پیش‌گمانه‌ای برای ادراک می‌باشد، و تمایل والت در این زمینه بیشتر به مفاهیم شبیه‌سازی کنشهای آگاهانه و شناخت سطحی به منظور ایجاد ارتباط با یک مسأله ادراکی است. او همچنین می‌گوید که شبیه‌سازی، پیروان کولیولی را تقسیم به کسانی می‌کند که یا به وضوح به تقلیل ناپذیری از کنشهای آگاهانه بیانی فرازبانی وفادارند (فرانکل، لوبد، پیارد، ووگه) و یا کسانی که علاقه‌مند به جنبه ادراکی فرضیه شبیه‌سازی (دکله، برنار، ویکتوری) هستند. والت در نهایت نشان می‌دهد که کولیولی و پوتیر، هر دو، علاقه گیوم در بازنمایی ترسیمی ۲۱ را به ارث برده‌اند. همانند گیوم و برخلاف نظر پوتیر، کولیولی، نمودار شیئی دورانی ناهمگون ۲۲ را ابزاری با قواعد روشن کاربردی آن می‌داند. در تضاد با این دیدگاه، پوتیر استفاده از این الگو را نوعی به تصویر کشیدن می‌داند که با دربرداشتن ارزشهای آموزشی و اکتشافی، گاهی به تخیل راه می‌برند.

می‌توان بر این اثر چنین انتقادی وارد نمود که چرا تمامی نظریه‌های مربوط به مقوله بیان را که در فرانسه طی سال‌های ۱۹۶۰ ترویج یافته‌اند را مد نظر قرار نداده است. مثلاً، جای شگفتی دارد

که حداقل از نظریه بیانی دوکروت ۲۳ سخنی به میان نیامده است. علیرغم آن که این نظریه هیچ‌گونه فرضیه ادراکی و هیچ‌گونه ارجاعی به گیوم را شامل نمی‌شود، اما بر روی ارتباط موجود میان فعل و فاعل، از یک زنجیره صریح گرفته تا کارهای بالی مورد بررسی انجام داده است. با این آگاهی، می‌بایست بر هدفی که این اثر دنبال می‌کند پافشاری کرد؛ چرا که این اثر، نویسنده اغلب در حاشیه‌ای چون گوستاو گیوم را، به ویژه از طریق رابطه وی با رایانیک، در قلب تاریخ زبان شناسی معاصر، جای می‌دهد. ما همچنین می‌توانیم به خود ببالیم که این چشم‌انداز که تاکنون مورد غفلت قرار گرفته است، در حال حاضر در مطالعات چندین پژوهشگر جوان در زمینه تاریخ علوم مورد توجه قرار گرفته است. امری که موجب متجلی شدن متمم‌های مابین رایانیک و رویکردهای ساختارگرایانه گردیده است.

پاورقی‌ها:

1. Mathieu Valette (۲۰۰۶), *Linguistiques énonciatives et cognitives françaises*: Gustave Guillaume, Bernard Pottier, Maurice Toussaint, Antoine Culioli, Paris, Honoré Champion.
2. psychomécanique
3. Gustave Guillaume
4. linguistique cognitive
5. Bernard Pottier
6. Maurice Toussaint
7. Antoine Culioli
8. Joly et Rolland
9. Téléonomie
10. chronogénèse
11. Cybernétique
12. Endomécanisme
13. Positivisme
14. Bloomfield
15. Emodied enaction
16. Merleau-Ponty
17. Maturana
18. Varela
19. Pottier
20. Toussaint
21. Graphique
22. Une Came
23. Ducrot